

نگاهی به نهمین مجمع جهانی (۲)

مشاوره، غنی سازی، معلم

الهه ربانی - اختر فریدی

در این گزارش، «نقش مشاوره در نظام آموزشی موفق»، «غنی سازی در محتوای آموزشی تیزهوش»، «ویژگیهای معلم ویژه تیزهوش»، «چند توصیه به معلمان»، «بزرگسالان تیزهوش»، و «نقش کلیدی معلم» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نقش مشاوره در نظام آموزشی موفق

وقتی از آموزشی به عنوان «آموزش موفق» نام می‌بریم، منظور رسیدن به اهداف آموزشی است که در طراحی آن برنامه خاصی مورد نظر بوده است و در نظام آموزشی ما به طور اخص درصد قبولی دانش‌آموزان در امتحانات پایان سال تحصیلی و یا میزان موفقیت آنها در کنکور سراسری با توجه به رتبه و رشته قبولی آنهاست و تازه وقتی با توجه به شناخت ویژگیهای تیزهوش در مراکز آموزشی سازمان، سعی بر این باشد که الگوی موفق را به الگوی رشد تغییر دهیم، حداکثر به بیش از پنجاه درصد از این تغییر دست نخواهیم یافت، زیرا ما زیر مجموعه‌ای از یک مجموعه بزرگ هستیم که از نگرشها، ارزشها و امکانات جامعه، تأثیر پذیری مشخص داریم. شاید بهتر است نظام ما ترکیبی از دو الگوی فوق باشد. زیرا ما در شرایط موجود باید نیازهای دانش‌آموز و جامعه را که در بسیاری موارد با هم فاصله دارند به طریقی به هم نزدیک کنیم. لذا برای پر کردن این خلاء یعنی شکافی که حد فاصل بین نیاز دانش‌آموز تیزهوش و نیاز و امکانات جامعه است، باید بیندیشیم. درک وضعیت دانش‌آموز تیزهوش و ایجاد «همدلی» می‌تواند در حل این مشکل به ما کمک کند.

«همدلی» عبارت است از: پیوندی ثمر بخش که مستلزم اطمینان و اعتماد دو جانبه است و در صورت ایجاد چنین وضعیتی به میزان زیادی تنش و اضطراب دانش‌آموزان را کاهش خواهیم داد. همدلی باید از طریق مشاوره صحیح انجام پذیرد. در اینجا با اشاره به مقاله «منداگلیو»^۱ اهمیت این همدلی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

او با شناخت ماده خام اولیه برای ایجاد احساس همدلی در کودکان تیزهوش و مطالعه خصوصیات ذهنی و روحی آنها، یادآور می‌شود که گروهی از متخصصان آموزش تیزهوش ویژگی «حساس بودن»^۲ را از خصوصیات بارز این گروه می‌دانند اما به نظر او اطلاق واژه «حساس»، به تیزهوش بسیار سخت و سنگین است و به دو صورت قابل تعبیر و تفسیر می‌باشد که ممکن است بر حسب نگرشی خاص با منفی و یا مثبت به همراه داشته باشد.

به یک تعبیر، این دسته از دانش‌آموزان همانطوری که سریع یاد می‌گیرند و پیشرفت می‌کنند به آسانی تأثیر پذیر هستند و سریع آزرده خاطر و دلگیر می‌شوند. اما در تعبیر دیگر، که از بار مثبتی برخوردار است کلمه «حساس» اشاره به درک احساسات و افکار آنها نسبت به دیگران دارد. یعنی آنان قادرند خواسته‌ها و تمایلات دیگران را درست به مانند خواسته‌ها و تمایلات خود درک کنند و به همین دلیل باریک بینی و موشکافی آنها را در روابط انسانی نمی‌توان نادیده گرفت. در این مورد اشاره به مسائلی مانند: تَن صدا، ارتباط چشمی، حالت نگاه، حرکات دست و شکل راه رفتن همکلاسی و معلم از نظر آنها پوشیده نیست و قادرند که به اطلاعات دریافت شده بر حسب احساس و برداشت و رابطه خود با همکلاسی یا معلم، پردازشی خاص بدهند. این متخصص آموزشی از تجربه مستقیمی که خود در مشاوره با تیزهوشان داشته است به این اعتقاد و باور رسیده است که بسیاری از

مشکلات دانش‌آموزان تیزهوش ناشی از انتظاراتی است که از اطرافیان خود، چه در محیط خانه و چه در محیط آموزشی و اجتماعی دریافت می‌کنند.

شگفت این‌که در بسیاری از موارد این واکنش‌های ناخواسته و مشکل‌آفرین از طرف کسانی که درباره مسائل تیزهوش تخصص دارند (یعنی، دست‌اندرکاران آموزش تیزهوش) ناشی می‌شود.

بسیاری از معلمان، مشاوران و مسئولان آموزش، ممکن است چنین پیش‌فرضی داشته باشند که دانش‌آموزان تیزهوش ماده خام و اصلی را برای ایجاد همدلی دارا می‌باشند و آموزش همدلی و مهارت ایجاد ارتباط برای آنها ضروری نیست. غافل از اینکه این ماده خام باید با دقت و توجه خاص دست‌اندرکاران آموزشی پخته شود، و اگر دانش‌آموزان چیزی را که می‌دانند به مرحله عمل در نیاورند، یادگیری آنها ارزش خود را از دست خواهد داد.

یادگیری باید با مهارت همراه باشد و در اینجا نحوه راهنمایی و خط‌دادن به دانش‌آموز برای تدبیر و بکارگیری آن توان بالقوه در رفتارهای متقابل اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درست مثل این است که فرض کنیم آموزش اصول و مبانی ریاضیات به دانش‌آموزان تیزهوش که از توان ذهنی خاصی برخوردار هستند، اتلاف وقت است و چون او تیزهوش است می‌توان سریع و گذرا از این مسائل گذشت، در حالیکه بسیار دیده شده است که مسئله اساسی دانش‌آموزان در درس ریاضی در پایه‌های بالاتر، عدم تسلط و شناخت همین اصول است به عبارت دیگر می‌خواهیم بگوییم که: «همدلی» را می‌توان آموزش داد. «منداگلیو» همدلی را از دو جنبه عاطفی و شناختی مورد بررسی قرار می‌دهد: توانایی و پی بردن به حالات درونی، احساسات و افکار دیگران و همچنین راه و روش ایجاد ارتباط.

اگر درک و فهم ما از حالات و افکار دیگران به برقراری ارتباط منجر نشود، شناخت با ارزشی نیست و اهمیت خود را از دست می‌دهد. دانش‌آموزان تیزهوش خودبخود و به تنهایی به ارتباط دست نخواهند یافت. آنها شدیداً نیازمند کمک هستند، چون نوجوان و جوان تیزهوش به دلیل حساسیت خاص خود، ممکن است دچار مشکلات جدی و پیچیده‌ای بشود و گاهی چنان در احساسات خود و دیگران غرق گردد که بدون دلیل، بار فکری سنگینی را به دوش کشد. در حالیکه اگر به او راههای صحیح ارتباط با دیگران را بیاموزیم می‌تواند با بیان احساسات و برقراری روابط مفید و مؤثر بار خود را سبک کرده، خود را آرام سازد.^۱

حال به این سؤال برمی‌خوریم که چه کسی قادر به آموزش این ایجاد ارتباط است؟ قبل از پاسخ به این سؤال اشاره به بخشی از سخنان «رنزولی»^۲ یکی از سخنرانان مجمع می‌نماییم.

دانش‌آموزان تیزهوش مشکلاتشان را با چه کسانی مطرح می‌کنند؟

وی با اشاره به اینکه دانش‌آموزان تیزهوش، مشکلاتشان را چگونه و با چه کسی مطرح می‌کنند، درصد‌های آماری قابل توجهی ارائه داده است. بالاترین درصد به دوستان و همکلاسی‌های آنها تعلق دارد و اولیای مدرسه و مشاوران جزو مواردی هستند که در صد بالایی را به خود اختصاص نداده‌اند.

دانش‌آموزان تیزهوش مانند سایر دانش‌آموزان در معرض «افسردگی» قرار دارند و به میزان ۵۳٪ افسردگی در میان آنها مشاهده شده است. آنها معمولاً برای یافتن پاسخ مشکلاتشان به ترتیب اولویت، مراجع مشورتی خود را اینگونه انتخاب می‌کنند:

۱. بالاترین درصد را که معادل ۴۸/۹٪ می‌باشد اختصاص به دوستان و همکلاسی‌های آنها دارد. یعنی سعی بر این است که جواب مشکلات خود را از طریق دوستان و همکلاسی‌ها پیدا کنند.

۲. والدین و وابستگان نزدیک که معادل ۲۶/۱٪ را به خود اختصاص می‌دهد. در این موارد اکثراً ترجیح می‌دهند که بستگان جوانتر خانواده و فامیل را برای مشاوره انتخاب کنند.

۳. مواردی که مشکل را خودشان تجزیه و تحلیل می‌کنند و آن را به کسی ابراز نمی‌نمایند. این حیطة، رقم ۹/۱٪ را به خود اختصاص داده است و خاص دانش‌آموزان « درون‌نگر » است که نشانه‌های قابل رؤیت آن، انزوا طلبی، بی‌تفاوتی و بی‌زاری از اتفاقات و وقایعی است که در اطراف آنها می‌گذرد. این دسته از دانش‌آموزان سعی دارند که مشکلاتشان را خود، تجزیه و تحلیل کرده راهی برای آن پیدا نمایند.

۴. مواردی که با اولیاء مدرسه و مشاور در میان می‌گذارند. این حوزه، رقم ۸/۱٪ را به خود اختصاص داده است. قابل توجه است که این رقم با مقایسه به ارقام فوق بسیار نا چیز بوده است و مراکز آموزشی نتوانسته اند اعتماد دانش‌آموزان را به خود جلب نمایند. این نکته قابل تعمق است و باید برای آن چاره اندیشی شود.

۵. مواردی که دانش‌آموزان برای حل مشکل خود، کوشش نمی‌نمایند و به دنبال جواب خاصی نیستند. مدتی آشفته و نگرانند و کم‌کم آن را به دست فراموشی می‌سپارند. این مورد، رقم ۴/۲٪ را به خود اختصاص می‌دهد.

۶. نمونه‌هایی که دانش‌آموزان برای یافتن جواب مشکل خود، به افراد متفرقه مراجعه می‌نمایند. به این معنی که مشکل خود را در قالب داستانی ساختگی برای افرادی که تصادفاً با آنها برخورد می‌کند و یا برای مدتی کوتاه با آنان آشنا می‌شود، بازگو می‌کند. این حوزه ۳/۶٪ دانش‌آموزان را شامل می‌شود.

با توجه به درصدهای ذکر شده، اهمیت مشاوره صحیح در مراکز آموزشی تیزهوش (ایجاد ارتباط صحیح و راهی برای پیدا کردن همدلی با آنان) روشن می‌شود.

برای دستیابی به این هدف، نقش مؤثر مشاوره در مراکز آموزشی از اهمیت خاصی برخوردار است. و مشاور باید سعی کند و نشان دهد که می‌تواند به دنیای دانش‌آموز وارد شود. بنابر این در اولین برخورد مشاوره با دانش‌آموز، کنش‌های متقابل آنها باید به سوی جوی هدایت شود که احساس امنیت، پذیرش، ارزش و آزادی را در وی تقویت نماید.

«پرز» بر احساس «خود بودن» فردی که به مشاور مراجعه می‌کند، تأکید دارد. این احساس جز بوسیله اطمینان به امنیت و مورد قبول واقع شدن برای فرد حاصل نمی‌شود. در اینجا می‌باید خصوصیات روانی و حالات عاطفی مشاور و درجه علاقه او به کار و میزان تجربه او مورد توجه قرار گیرد. مشاور خود مانند هر انسان دیگری نیاز به امنیت، مورد قبول و پذیرش قرار گرفتن و احترام دارد.

طبق نظر « مایلز»^۶ مشاور بیش از دلجویی کردن از دیگران باید خونگرم و با عاطفه بوده و قدرت دوست داشتن دیگران را داشته باشد. مشاوره‌ای که خود یک مادر است و یا تجربه کار با نوجوانان و جوانان را دارد، به یقین بهتر قادر به دلجویی و پذیرندگی خواهد بود: زیرا وی، دوست داشتن را عملاً تجربه کرده است. داشتن حوصله فراوان در جهت ایجاد رابطه با دیگران، شیوه عمل و نحوه بیان مشاور از اهمیت خاصی برخوردار است. اغلب دانش‌آموزانی که به مشاور مراجعه می‌کنند، خواستار مشاوره هستند که کنش و واکنش نشان دهد. آنها مشاوران فعال و سرزنده را بر مشاوران خشک و کم‌فعالیت که فقط فنون مشاوره را بکار می‌برند، ترجیح می‌دهند.

محل مشاوره باید از ویژگیهای خاصی برخوردار باشد. گیرایی یا آشفته‌گی محیط می‌تواند بر نتایج مشاوره تأثیر بگذارد. حتی محیط فیزیکی مناسب در تأثیر مشاوره، قابل اهمیت است. به طور مثال یک اتاق روشن با مبلمان ساده و راحت به یقین از یک اتاق ساده کم‌نور و کهنه تأثیر بیشتری خواهد داشت، گو اینکه این اختلافات فیزیکی و محیطی در جلسات مکرر مشاوره، چندان چشمگیر نیست، ولی در اولین نشست از عواملی است که می‌تواند قدمهایی را که طرفین در گسترش پدیده «همدلی» یا ایجاد رابطه عاطفی بر می‌دارند، تحت تأثیر قرار دهد.

بطور کلی افزایش رفتارهای مشکل آفرین و نابهنجار در کودکان تیزهوش معمولاً ناشی از عدم درک ماهیت تیزهوشی و گسترش آن می‌باشد. در چنین وضعیتی، بسیاری از کودکان تیزهوش، وقتی در شرایطی قرار می‌گیرند که توانایی‌ها و

قابلیت‌هایشان را برای رسیدن به اهداف و نیازهایشان محدود می‌کند، خصوصیات رفتاری نابهنجاری از خود بروز می‌دهند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که نسبت به شرایط، واکنش نشان می‌دهند.

بسیاری از این رفتارها مورد بررسی واقع شده و پیشنهاد شده است که در تمام سطوح جامعه باید آگاهی‌های مربوط به تیزهوش و ویژگی‌های او از قالب‌های کلیشه‌ای و افسانه‌ای خارج شده، به حقیقت نزدیک گردد. این تحول، موجب افزایش روند شناخت کودکان تیزهوش خواهد شد و از میزان بسیاری از رفتارهای عجیب و مشکل‌آفرین این دسته از نوجوانان که بوسیله عوامل مختلف و سرکوب‌کننده اجتماع بوجود آمده است، خواهد کاست.

استعدادها و نبوغی که غالباً توسط والدین، معلمان و سایر اعضای اجتماع درک نشده باشد و یا به صورتی سرکوب شده باشد، عامل بسیاری از رفتارهای نابهنجار خواهد بود. ما باید آگاه باشیم کودکانی که مستعد و تیزهوش هستند، در احساسات دریافته‌ها و روش‌های پردازش اطلاعات خود با یکدیگر تفاوت دارند. مهارت‌ها و استعداد‌های برتر و گسترده‌تر آنها، ممکن است آنان را عجیب و متفاوت از سایر همسالانشان نشان دهد. ما به عنوان معلمان و مسئولان آموزشی لازم است که این تفاوت‌ها را بشناسیم. در آن صورت با درک خصوصیات آنها می‌توانیم نیازهایشان را تعیین و مشکلاتشان را رفع نماییم. این کار، عمدتاً جهت یاری دانش‌آموز برای قادر ساختن در فایق آمدن بر عقب ماندگی‌ها و وقفه‌های وی در پیشرفت و دستیابی به هدف‌هاست. لازم است ما این آگاهی و اطلاعات را به طور منظم و با برنامه، به خانه‌ها، مدارس، و به طور کلی اجتماع، انتقال دهیم. با افزایش اطلاعات و آگاهی‌های ما از خصوصیات کودکان که دارای استعداد نهفته تیزهوشی و بالقوه هستند، موفق خواهیم شد که نه تنها وقوع ناراحتی‌های رفتاری این گروه از کودکان را کاهش دهیم بلکه موجب پیشرفت آنها و همه بچه‌ها در جامعه باشیم.

لازم به یادآوری است که کودکان مستعد به خوبی با محیط، تطبیق و سازگاری دارند و با این حال اکثر آنها در زندگی نیازمند به کمک می‌باشند. فشارها و نیازهای آنان را باید شناخت نیازهایشان را باید رفع کرد و استعداد‌هایشان را درک نمود. آنوقت می‌توان امیدوار بود که، انسان‌های سالم و متعادل به اجتماع تحویل داده ایم که نه تنها راه‌گشای مشکلات علمی و اجتماعی هستند، بلکه در زندگی شخصی قادر به حل مشکلات و معضلات خانوادگی بوده، همسران، پدران و مادران خوبی برای اجتماع آینده باشند زیرا که بنیان یک جامعه سالم را خانواده‌های سالم تشکیل می‌دهد.^۷

غنی‌سازی در محتوای آموزشی تیزهوش

«غنی‌سازی»^۸ یا گسترش محتوای آموزشی در برنامه‌های آموزش تیزهوش از اهمیت خاصی برخوردار است و این گسترش باید به نحوی باشد که در ایجاد انگیزه یادگیری بیشتر و تقویت یافته‌های دانش‌آموزان در جهت عمق بخشیدن و معنی دار کردن مفاهیم آموخته شده، مؤثر باشد و بطور کلی این روند باید بر فلسفه «یاد گرفتن را چگونه باید یاد گرفت» متکی باشد، زیرا مهارت‌های اندیشه و تفکر شناختی شامل آن دسته از هدف‌هایی می‌شود که فرصت را برای هر دانش‌آموز فراهم می‌سازد تا اندیشه و تفکر نقاد، تفکر تجربیدی و مهارت‌های استدلال منطقی را پرورش دهد و دانش‌آموز به توانایی تجزیه و تحلیل، انتقاد و دفاع از عقاید و آرمان‌ها، استدلال قیاسی و منطقی و استقرایی دست یابد و براساس قیاس منطقی سالم و درست، به واقع بینی و یا استنتاج در قضاوت نایل شود.

هدف، این است که دانش‌آموز برای رهبری و هدایت یک زندگی سامان یافته - نه محدود و بسته - تشویق نماییم، به نحوی که بیشتر، مشتاق و مصمم برای نگرش حقیقت و واقعیت در جهات تازه و نو باشد، همچنین توانایی ارزیابی استدلال‌ها و استنتاج‌ها و قیاس برای افتراق و تمایز میان استدلال خوب و بد، مجاز و غیر مجاز در او پرورش یابد. یعنی دانش‌آموز را تشویق و تحریض نماییم که زندگی را با دیدگاهی منطقی، عینی، پی‌گیر و به شیوه‌ای جامع بنگرد.

حال به چند مورد از عواملی که در غنی‌سازی محتوای آموزشی تأثیر دارد، اشاره می‌کنیم:

۱- تعیین طرح‌ها و معرفی منابع و مآخذی که دانش‌آموز را تشویق به جستجوی بیشتر و کنکاش و یافتن پاسخ بنماید.

۲- معرفی زمینه های کاربردی اطلاعات داده شده، جهت بالا بردن قدرت انطباق و تعمیم مفاهیم آموزش داده شده. به طور مثال، پس از تدریس مفهوم « فیر نوری » در کلاس فیزیک، از دانش آموز خواسته شود که کاربردهای آن را در سیستم های ارتباطی مورد بررسی و تحقیق قرار دهد.

۳- بالا بردن قدرت تشخیص دانش آموز در ارتباط بین نظامهای موجود در هر زمینه، مثلاً معرفی منابعی که جایگاه مفاهیم ریاضی خواننده شده را، دانش آموز در ارتباط با کامپیوتر و کاربرد آن پیدا کند.

۴- فراهم آوردن فرصتهایی که دانش آموز بتواند دیده ها و شنیده هایش را در عمل پیاده کند. چون ساختن یک وسیله و یا ترتیب یک آزمایش خاص.

۵- امکان مواجه ساختن دانش آموز با پدیده ها و نگرش های نو، معرفی علوم جدید و کشفیات و اختراعات جدید.

۶- امکان تحلیل و مقایسه کار و فعالیت در محیط های اجتماعی واقعی که به زندگی اجتماعی آن جامعه مربوط می شود، بازدید از مراکز صنعتی، آموزشی، پزشکی...

به طور کلی غنی سازی با هدف سرعت بخشیدن به یادگیری، خلق الگوها و پدیده های تازه در رشد و پیشرفت بیشتر در روند آموزش باید برنامه ریزی شود.

یکی از الگوهای اساسی غنی سازی «الگوی سه مرحله ای گسترش مفاهیم»^۹ متعلق به «رنزولی» است.

مرحله اول

گسترش معلومات، شامل فعالیت هایی است که براساس علایق و تمایلات دانش آموزان طراحی شده است و از دانش آموزان دعوت می کند که با مطالب و مباحثی که در زمینه علایق آنهاست، آشنا شوند. دانش آموزان با شرکت در این مرحله در می یابند که تجربیات بدست آمده چگونه می تواند آنها را در زمینه رسیدن به پاسخهای خود در مورد موضوع مورد علاقه شان، هدایت و راهنمایی کند.

آنها در این مرحله قادر خواهند بود که تصمیم بگیرند چگونه درباره مبحث یا موضوع انتخابی خود مطالعات بیشتری انجام دهند.

مرحله دوم

گسترش معلومات، شامل مواد، روشها و فنون آموزشی مربوط به مراحل سطح بالاتر فکری و احساسی است. طبق نظریه «بلوم»^{۱۰} مراحل شامل: «تفکر انتقادی»، «حل مسأله»، «تفکر بازتابی»، «یادگیری توأم با سؤال»، «تفکر واگرا»، «گسترش آگاهی»، «تفکر خلاق و سازنده» می باشد.

فعالتهای نوع دوم نا محدود بوده و به دانش آموز اجازه می دهند که مراحل فکری خود را تا بالاترین سطح ممکن رشد دهد، در این مرحله است که باید به شاگردان روشهای مطالعه پیشرفته تر و منابع غنی تر معرفی گردد.

مرحله سوم

گسترش معلومات، شامل فعالتهایی است که در آن، دانش آموزان با استفاده از روشهای درست تحقیقی، خود به صورت یک کاوشگر واقعی در یک مبحث یا یک مسأله حقیقی، قرار می گیرند. موفقیت دانش آموز در فعالیت مرحله سوم بستگی خاص به علاقه و مسئولیت پذیری شخصی او دارد.

همانطور در الگوی سه مرحله ای نشان داده شده است، برنامه تحصیلی منظم مدرسه و به طور کلی محیط، عواملی هستند که در به ثمر رسیدن گسترش معلومات در مرحله سوم، بسیار مؤثر می‌باشند و نظارت و تعقیب فعالیت دانش آموز از طرف معلمان و مسئولان آموزشی درجه وابستگی و مسئولیت پذیری آنها را بالا می‌برد.

«رنزولی» برای غنی سازی برنامه‌های تیزهوش، الگوی دیگری نیز ارائه داده است این الگو، تحت عنوان «الگوی غنی سازی رنزولی»^{۱۱} برای کلاسهای عادی پیشنهاد شده است.

وی معتقد است جدا سازی محیط آموزشی به طور کامل، لازم نیست، بلکه به صورت کلاسهای جداگانه در مدارس عادی مناسب است. باید توجه داشت که در چنین روشی چون نظام آموزشی، باز است، دانش آموز با تشخیص معلم می‌تواند به کلاسهایی که فعالیت اضافه بر برنامه درسی دارند، راه یابد. طبیعی است زمانی که وی از عهده محتوای اضافی و فعالیت‌های فوق برنامه برنیاید، به راحتی می‌تواند به کلاس عادی برگردد و به یقین تنش و هیجان کمتری خواهد داشت زیرا کلاسش را به توصیه معلم و به دلخواه خود عوض می‌کند و در نتیجه نگران اینکه چیزی را از دست داده باشد، نیست. «رنزولی» به این موضوع تحت عنوان «الگوی درهای گردان»^{۱۲} اشاره کرده است.

هر دو الگوی ارائه شده در شرایط و موقعیت آموزشی ما قابل بررسی و تحلیل است. آیا «باید محتوای درسی را غنی کرد» یا «سرعت آموزش و تدریس را بالا برد»؟ طبیعت هر یک از دروس می‌تواند مشخص کند که سرعت تدریس را باید زیاد کرد و یا بایستی به گسترش مفاهیم و مطالعه و بررسی عمیق اقدام نمود.

در برخی موارد «تسریع»^{۱۳} و غنی سازی برنامه‌های عادی نمی‌تواند نیاز دانش آموزان تیزهوش را بر آورده سازد. در نظام آموزشی ما، کتاب مدارس عادی چارچوب اصلی کار است و غنی سازی و تسریع گاهی یکی و زمانی هر دو را در بر می‌گیرد. در حالیکه اگر بخواهیم صحیح عمل کنیم، نیاز به تغییر و دگرگونی محتوای آموزشی در تمام پایه های راهنمایی و دبیرستان خواهیم داشت.

ویژگیهای معلم ویژه تیزهوش

فرایند تدریس، یک کنش متقابل بین دانش آموزان و معلم است. «کنش متقابل» یعنی معلم بر دانش آموزان اثر می‌گذارد و بر عکس دانش آموزان هم فعالیت معلم را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برای اینکه تأثیر معلم در هنگام تدریس بر دانش آموزان بیشتر شود او باید قادر به ایجاد ارتباط صحیح باشد. ارتباط صحیح مستلزم شناخت دانش آموزان است. شناخت به معنای درک توانایی‌ها، علایق، نیازها و نقاط قوت و ضعف یکایک دانش آموزان می‌باشد. مفهوم شناخت ویژگیهای تیزهوش با توجه به تعاریف مختلف و متعددی که از تیزهوش و تیزهوشی داریم ممکن است چنین تصویری را در ما تقویت نماید که اگر ما هنوز به یک تعریف درست دست نیافته ایم، پس چگونه می‌توانیم به عملکردهای مشابه با توجه به فرهنگها و اعتقادات مستقل، دست یابیم. گو اینکه بنا به گفته «پاسو»^{۱۴} خود این گوناگونی تعاریف، کمک بیشتری به شناخت عوامل مؤثر در تیزهوش قلمداد کردن فرد خواهد نمود و هر تعریف به ویژگی خاصی از تواناییهای این دسته از افراد، تأکید دارد و طبیعتاً ویژگیهای مختلف نیازمند به آگاهیهای مختلفی از جانب معلمان و دست اندرکاران خواهد بود.

در آموزش کودکان تیزهوش، استفاده صحیح و جهت دار از استعداد های نهانی کودکان، امری ضروری و زمینه ساز است. معلم این افراد باید علاوه بر علاقمندی به کار معلمی و عشق به تدریس و بچه ها و همچنین با بهره مندی از هنر معلمی، شوخ طبعی و آراستگی ظاهر و دانش و معلومات کافی، بتواند شرایط لازم را برای پرورش و ایجاد تفکر خلاق در دانش آموزان بوجود آورد و آنان را علاقمند کند. معلمی که می‌خواهد دانش آموزان خلاق و علاقمند پیرورد، خود نیز باید خلاق و علاقمند باشد. برای خلاق بودن در تدریس، معلم باید قدرت قبول خطر را داشته باشد، در یک نظام آموزشی کاملاً متمرکز، کمتر این امکان وجود دارد که معلم بتواند مطابق وقت کلاس و علایق و نیاز های دانش آموزان در برنامه درسی، تغییراتی را بدهد. او ممکن است

امتیاز قدرت مناسب در تصمیم‌گیری نیز بر خوردار باشد ولی به دلیل روشهای متمرکز و هماهنگ در برخی از مدارس از قدرت وی به میزان زیادی کاسته می‌شود.

از دانش‌آموزان تیزهوش به دلیل یادگیری سریع و قدرت استنتاج قوی می‌توان کاوشگران خوبی بوجود آورد ولی اگر معلم ویژه تیزهوش صرفاً منتقل‌کننده اطلاعات باشد، دستیابی به این هدف امکان‌پذیر نیست.

بسیار دیده شده است که دانش‌آموزان تیزهوش به جمع‌آوری اطلاعات علاقه زیادی دارند. معلمی که می‌خواهد خلاقیت را در دانش‌آموزان بارور سازد، باید قادر باشد که با ارائه روشهای صحیح، دانش‌آموزان را از «مصرف» کنندگان دانش و اطلاعات، به «تولید» کنندگان دانش تبدیل نماید.

اگر روشهای ارزشیابی مبتنی بر اصولی باشد که میزان جذب اطلاعات داده شده را در دانش‌آموز اندازه‌گیری کند، طبیعی است که او نیز فقط به جمع‌آوری دانش خواهد پرداخت و سعی در خلق و تولید فکری نو نخواهد بود. امتحانات مشکل و مقایسه دانش‌آموزان با نمره، این قدرت را از آنها سلب میکند که بتوانند اطلاعاتی را که جذب کرده‌اند، در شرایط جدیدی تعمیم داده و تعبیر و تفسیری نو برای آنها پیدا کنند. در حالیکه برای بالا بردن قدرت خلاقیت باید این امکان را فراهم نمود که از داده‌های یکنواخت، بازده‌های متفاوت داشته باشند. گو اینکه تواناترین معلمان هم به راحتی به این نتایج دست نخواهد یافت. مگر آنکه نظام آموزشی، شرایط مناسب را برای معلم و دانش‌آموز فراهم آورد. عبارت «شرایط مناسب» با توجه به کمبودها و تنگنای آموزشی ممکن است با «شرایط آرمانی» اشتباه گردد. در حالیکه داشتن کلاسهایی که تعداد دانش‌آموزان آنها به حد قابل نظارت باشد و رسیدگی به تک تک دانش‌آموزان را میسر سازد و معلمان از آرامش خاطر و آزادی عمل متعادل بر خوردار باشند، حداقل شرایط مناسب خواهند بود. در چنین محیطی به یقین از تنش‌های دانش‌آموزان کاسته خواهد شد و اعتماد به نفس لازم را در جهت ارتباط با دنیای خارج از مدرسه و زندگی واقعی برای آنان فراهم می‌آورد و آنها به راحتی خواهند توانست که ابتکار عمل را بدست گیرند و تازه‌های محیط خود را به دقت ببینند و درک کنند و نسبت به موضوعات اطراف و مردم اجتماع خود بی تفاوت نباشند.

چند توصیه به معلمان

۱. قبل از شروع آموزش از «میزان دانش و آگاهی دانش‌آموز» مطلع شوید، زیرا تکرار آموزش مطالبی که دانش‌آموز قبلاً آموخته است بسیار کسل‌کننده و ملال‌آور خواهد بود.
۲. «تمرین و تکلیف» زیاد برای آنان خسته‌کننده است به طوری که لذت یادگیری را از یاد می‌برد و میزان تمرین مورد نیاز برای شکل گرفتن مطلب جدید در ذهن هر فرد بستگی به میزان هوش او دارد.
۳. قابلیت انعطاف معلم در برنامه‌های آموزشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
۴. میزان آموزش را با سرعت یادگیری دانش‌آموز تنظیم کنید.
۵. دانش‌آموزان را یاری دهید تا دوستان همفکر خود را پیدا کنند.
۶. در مقاطع بالای آموزش عقاید انتزاعی را مطرح کنید، زیرا هر اندازه که موضوع غیر عادی و پیچیده تر باشد، دانش‌آموز تیزهوش را بیشتر جلب خواهد نمود.
۷. برای کارهای گروهی به آنان اجازه دهید که خودشان گروههای همکاری را تشکیل دهند، زیرا همگون بودن افراد گروه به سرعت کار آنها می‌افزاید.
۸. به دانش‌آموزان تیزهوش فرصت «مشاهده» بدهید، زیرا این دانش‌آموزان اکثراً «درون‌نگر» هستند و بهترین حالت یادگیری و آموزش برای افراد «درون‌نگر» بیش از روش آزمایش و خطا، مشاهده است.
۹. از آنها انتظار نداشته باشید به پرسشها سریع پاسخ دهند، بلکه به آنان «فرصت تفکر» بدهید.

۱۰. به آنان «هنر مباحثه» را بیاموزید و یادآور شوید شیوه های یک بحث عادلانه و پذیرفتن عکس العملهای دیگران، چگونه است.

۱۱. به دانش آموز تیزهوش اجازه بدهید خودش به «پاسخ مسائل» خود برسد و او را مجبور نکند مانند دانش آموزان عادی قدم به قدم پیش برود.^{۱۵}

بزرگسالان تیزهوش

بزرگسالان با هوش و مستعد چنین رفتارهایی از خود بروز می دهند:

۱. اکثراً دارای شوخ طبعی خاصی هستند و گفتار طنز آمیزی دارند که خلاقیت ویژه ای را نشان می دهد که به آسانی برای همگان قابل درک است.

۲. احساس دور افتادن از دیگران، تنهایی و بیگانگی.

۳. اهمیت دادن بیش از حد به چیزهایی که بسیاری از افراد آن را نادیده می گیرند.

۴. در پیش گرفتن راهی متفاوت با دیگران.

بسیاری از بزرگسالان از اینکه زمانی، کودکی تیزهوش بوده اند بی اطلاعند و حتی آنهایی که با تأیید اطرافیان به عنوان تیزهوش شناخته می شدند، چنین می پندارند که با بالا رفتن سن، تیزهوشی آنها محو شده است، در حالیکه تیزهوشی، ثبات دارد و نشانه های آن در بزرگسالان، همان رشد ارزشهای انسانی است.

بزرگسال تیزهوش کسی است که حداقل ۷۵٪ از ویژگیهای زیر که مربوط به خصوصیات زمان کودکی است در مورد وی صادق باشد:

۱. زود به کسب مهارتهایی چون صحبت کردن، خواندن، نوشتن و دیگر زمینه ها... پرداخته است.

۲. زیاد سؤال می کرده است.

۳. گفتار و نظرات دیگران برای وی جاذب بوده است.

۴. دیدی غیر معمول از اشیاء و رویدادهای اطرافش داشته است.

۵. قادر به پیدا کردن راه حلهایی برای مشکلات کارهایش بوده است.

۶. از حافظه ای قوی برخوردار بوده است.

۷. نسبت به مسائل به طور خاصی از خود حساسیت نشان می داده است.

۸. شوخ طبع و بذله گو بوده است.

۹. نسبت به مسائل با بصیرت و بینش خاصی مواجه می شده است.

۱۰. کمال گرا بوده است.

۱۱. میزان توجه وی، وسیع بوده است. مثلاً در یک مهمانی یا یک جمع خانوادگی به نکات متفاوتی توجه می کرده است.

۱۲. علاقمند به جمع آوری کلکسیون و مجموعه اشیاء بوده است.

۱۳. از یادگیری سریع برخوردار بوده است.

۱۴. نسبت به دیگران احساس دلسوزی و مهربانی داشته است.

۱۵. از همنشینی با افراد بزرگتر از خود لذت می برده است.

۱۶. اهل بحث و مجادله بوده و همه چیز را به راحتی نمی پذیرفته است.

۱۷. دامنه علایق وسیعی داشته است.

۱۸. دامنه واژگان وسیعی داشته است.

۱۹. تصورات و تجسمات خلاق داشته است.

۲۰. در مطالعه و خواندن کتاب، حریص بوده است.

۲۱. از حل جدول، بازی با اعداد و معماها لذت می برده است.

۲۲. کودکی پر تحرک و پر انرژی بوده است.^{۱۶}

○ ○ ○

یادداشتها

- ۱- Empathy
- ۲- Mendaglio, Sal. Sensitivity- Raw Material for Empathy in Gifted Children.
- ۳- Sensitivity
- ۴- Renzulli
- ۵- Perez
- ۶- Mills
- ۷- Milne, H.J.O. Emotional and Behaviour Problems of Gifted Children. Griffith University. Division of Education May. ۱۹۹۱.
- ۸- Enrichment
- ۹- The Enrichment Triad Model
- ۱۰- Bloom
- ۱۱- Renzulli Enrichment Model (REM)
- ۱۲- Revolving Door Model
- ۱۳- Acceleration
- ۱۴- Passow
- ۱۵- Silverman, Linda, K. What Do I Do With them on Monday Morning?
- ۱۶- Advanced Development (A Journal on Adult Giftedness)

○ ○ ○

